# جلسه دوم 12/6/1393

گفتیم عمده دلیل مشهور بر وجوب اعاده طواف بی هنگام شک در اشواط، صحیحه رفاعه است که در آن یبنی علی یقینه آمده، ما گفتیم ممکن است این تعبیر یک اصطلاح باشد و مقصود از آن این باشد که عمل کند بر اساس یقین به امتثال، مبادا به این طواف اکتفاء شود، زیرا اگر بنا بر هفت بگذارد، شاید ناقص باشد و اگر بنا بر شش بگذارد و یک شوط اضافه کند، شاید زیاده در طواف شود که مبطل است، لذا باید اعاده طواف کند.

اما بعد از ملاحظه روایات شک در رکعات نماز به این نتیجه رسیدیم که ظهور یبنی علی یقینه در همان است که صاحب مدارک و مرحوم داماد فرموده که بنا بر همین یقین فعلی خود و اتیان شش شوط بگذارد، یعنی بنا بر مقدار متیقن بگذارد و یک شوط دیگر انجام دهد تا طواف او صحیح باشد.

توضیح این که: در بحث شک در رکعات نماز روایاتی داریم، که در آن آمده یبنی علی الیقین و مشهور چنین از آن فهمیده اند که طوری عمل کند که یقین به برائت ذمه پیدا کند، مثل روایت علاء: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ الطَّيَالِسِيِّ عَنِ الْعَلَاءِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) رَجُلٌ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَ شَكَّ فِي الثَّالِثَةِ قَالَ يَبْنِي عَلَى الْيَقِينِ فَإِذَا فَرَغَ تَشَهَّدَ وَ قَامَ قَائِماً فَصَلَّى رَكْعَةً بِفَاتِحَةِ الْقُرْآنِ.[[1]](#footnote-1)

در این روایت در رابطه با شک بعد از رکعتین در نماز چهار رکعتی در این که رکعت سوم را خوانده یا نه، فرموده بناء بر یقین بگذارد و به معنای بناء بر اقل نیست، و گرنه باید بناء می گذاشت که در رکعت دوم است و دو رکعت دیگر می خواند، اما امام علیه السلام فرمود بعد از سلام نماز، رکعت مشکوک را بخواند و معنایش این است که کاری کند که یقین به امتثال پیدا کند و یبنی علی الیقین به این معناست.

روایت عبد الرحمن بن الحجاج: وَ عَنْهُ عَنِ النَّضْرِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ وَ عَلِيٍّ عَنْ أَبِي إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) فِي السَّهْوِ فِي الصَّلَاةِ فَقَالَ تَبْنِي عَلَى الْيَقِينِ وَ تَأْخُذُ بِالْجَزْمِ وَ تَحْتَاطُ بِالصَّلَوَاتِ كُلِّهَا.[[2]](#footnote-2)

این جا هم بنا بر یقین به معنای بنا بر اقل نیست، بلکه مقصود این است که بناء بر اکثر بگذارد و نماز احتیاط بعد از آن بخواند تا یقین به امتثال پیدا شود.

طبق این توجیه هم مفاد روایت رفاعه، وجوب اعاده طواف می شود.

صحیحه زرارة: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيل‏ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ قَالَ: إِذَا لَمْ يَدْرِ فِي ثَلَاثٍ هُوَ أَوْ فِي أَرْبَعٍ وَ قَدْ أَحْرَزَ الثَّلَاثَ قَامَ فَأَضَافَ إِلَيْهَا أُخْرَى وَ لَا شَيْ‏ءَ عَلَيْهِ وَ لَا يَنْقُضِ الْيَقِينَ بِالشَّكِّ وَ لَا يُدْخِلِ الشَّكَّ فِي الْيَقِينِ وَ لَا يَخْلِطْ أَحَدَهُمَا بِالْآخَرِ وَ لَكِنَّهُ يَنْقُضُ الشَّكَّ بِالْيَقِينِ وَ يُتِمُّ عَلَى الْيَقِينِ فَيَبْنِي عَلَيْهِ وَ لَا يَعْتَدُّ بِالشَّكِّ فِي حَالٍ مِنَ الْحَالاتِ.[[3]](#footnote-3)

یعنی بعد از نماز، نماز احتیاط بخواند و بعد فرموده و یتم علی الیقین فیبنی علیه و این یعنی باید بنا بر عمل یقینی الامتثال گذاشته شود.

شاید معتبره اسحاق بن عمار که در ادله استصحاب مطرح شده نیز مفادش بیان استصحاب نباشد و همین مطلب را بیان کند: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ (عليه السلام) إِذَا شَكَكْتَ فَابْنِ عَلَى الْيَقِينِ قَالَ قُلْتُ: هَذَا أَصْلٌ قَالَ نَعَمْ.[[4]](#footnote-4)

لذا ظاهر یبنی علی یقینه در صحیحه رفاعه، بنا بر اقل گذاشتن است، زیرا اولا در این روایات یبنی علی الیقین دارد و ممکن است معنای آن یجب تحصیل الیقین باشد، اما صحیحه رفاعه، یبنی علی یقینه دارد و ظاهرش این است که الان یقین دارد و طبق آن عمل کند و این شاک در طواف، الان یقین به شش شوط دارد.

و ثانیا: در روایات صلاة هم معلوم نیست که مقصود، بنا گذاشتن بر یقین به امتثال باشد و ممکن است مقصود از یبنی علی الیقین، بنا بر اقل گذاشتن باشد.

ان قلت: این خلاف مشهور است که گفته اند بنا بر اکثر گذاشته شود.

قلت: بله، و لکن اولا: قائل دارد، مثل ابن بابویه که بر اساس همین روایات، قائل به تخییر شده است و گفته این روایات ظاهرش بنا بر اقل گذاشتن است و در صحیحه زرارة هم دارد قام فاضاف الیها اخری و نگفته بعد التشهد، برخی روایات دیگر هم گفته بنا بر اکثر گذاشته شود و مقتضای جمع عرفی، تخییر می شود.

مرحوم مجلسی اول در روضة المتقین هم قائل به تخییر شده و مرحوم سبزواری در ذخیرة المعاد هم فرموده بعید نیست که قائل به تخییر شویم.

و ثانیا: قبول داریم که مثل روایت علاء، صریح در این است که مقصود بنا بر اکثر گذاشتن و نماز احتیاط بعد از آن خواندن است، و لکن لقائل ان یقول که می پذیریم که باید در شک در رکعات نماز بنا بر اکثر بگذاریم و بعد نماز احتیاط بخوانیم، اما دلیل نمی شود که یبنی علی الیقین را به معنای یبنی علی الامتثال الیقینی بگیریم، بلکه به این معنا شاید باشد که بنا بگذار بر این که رکعت چهارم را بجا نیاوردی و لکن وظیفه ات برای جبران آن، اتیان به رکعت منفصله است و نه متصله و به قول صاحب کفایه، تقیید دلیل استصحاب می شود، زیرا دلیل استصحاب می گوید بیش از سه رکعت انجام نگرفته است، ولی در عین حال مثل اهل سنت نباش که رکعت متصله بیاوری، بلکه رکعت منفصله بیاور.

موید این توجیه نیز در کلمات شافعی است که نشان دهنده تعبیر عرفی است: یبنی علی الیقین و یطرح الشک، نهایت فرق کلام او با نظر شیعه این است که او حکم به وجوب اتیان به رکعت متصله می کند و شیعه حکم به وجوب اتیان به رکعت منفصله می کند.

این توجیه با معتبره اسحاق بن عمار هم سازگار است و اصلا اختصاص به نماز ندارد، هر جا شک شد، باید بنا بر متقین گذاشته شود.

خصوصا که در صحیحه رفاعه، یبنی علی یقینه آمده و ظاهر ضمیر این است که الان یقینی دارد و گفته می شود بنا بر همان یقین موجود بگذار.

موید دیگر، روایت سهل بن یسع است: وَ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَهْلٍ (عَنْ أَبِيهِ) قَالَ: سَأَلْت‏ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) عَنِ الرَّجُلِ لَا يَدْرِي أَ ثَلَاثاً صَلَّى أَمِ اثْنَتَيْنِ قَالَ يَبْنِي عَلَى النُّقْصَانِ وَ يَأْخُذُ بِالْجَزْمِ وَ يَتَشَهَّدُ بَعْدَ انْصِرَافِهِ تَشَهُّداً خَفِيفاً كَذَلِكَ فِي أَوَّلِ الصَّلَاةِ وَ آخِرِهَا.[[5]](#footnote-5)

از این روایت معلوم می شود که در جاهای دیگر هم بناء بر یقین، به معنای بنا بر اقل و نقصان گذاشتن است.

لذا به نظر ما صحیحه رفاعه، ظهور دارد در بناء بر مقدار متیقن گذاشتن، حال آیا باید حمل بر تخییر کنیم مثل محقق داماد یا قائل به قول مشهور شویم؟

به نظر ما صحیح، قول مشهور است، زیرا مفاد روایات این است که اعاده طواف امر دارد و الاعادة احب الی و افضل، هلا استانفت، یعید طوافه و این روایات در حد استفاضه است، اگر روایت می گفت لا باس ان یبنی علی یقینه، روایات مذکور را حمل بر استحباب می کردیم، اما صحیحه رفاعه امر به بناء بر یقین کرده و ظاهر امر، وجوب است و اگر قرینه باشد، حمل بر استحباب می شود، ولی دلیل نمی شود که بر صرف جواز حمل کنیم و چنین نیست که در مقام توهم حظر باشد، بلکه مقام بیان وظیفه است، مثل این که بعد از قیام در سجدتین شک کنیم و ندانیم که آیا باید تدارک شود و یا مضی لازم است، وقتی روایت می گوید امض، ظهورش در وجوب مضی است و نمی توان گفت که مقام توهم حظر است که نکند عدم اعتناء به شک حرام باشد و امام علیه السلام این توهم را نفی فرموده، بلکه ظاهر آن وجوب عدم اعتناء به شک بعد از محل است.

ما نحن فیه نیز از همین قبیل است و نهایتا حمل بر استحباب بنا بر یقین گذاشتن می شود و تعارض می کند با روایاتی که می گوید باید طواف اعاده شود، لذا یا باید جمع موضوعی شود و بگوییم صحیحه رفاعه مطلق است، ولی روایات اعاده در طواف فریضه وارد شده و اخص موضوعی است که به نظر، این جمع عرفی است و اگر اصرار شود بر عدم عرفی بودن حمل صحیحه رفاعه بر طواف نافله، بعد از این که دغدغه مردم نوعا طواف فریضه است و نه نافله و خروج طواف فریضه از صحیحه عرفی نیست، تعارض مستقر شده و باید سراغ مرجحات رفت و چون صحیحه رفاعة موافق با عامه است، باید طرح شود.

اضافه بر این که خبر رفاعة، ظنی الصدور است و اخباری که می گوید اعد الطواف، مستفیض و اجمالا معلوم الصدور است، و اگر خبر ظنی الصدور با قطعی الصدور تعارض کند، اعتبار ندارد، به دو بیان؛

بیان اول: محقق خوئی فرموده خبر قطعی الصدور، سنت قطعی است و ما خالف السنة فهو مردود.

بیان دوم: بیانی است که ما ارائه داده ایم مبنی بر این که اگر خبری قطعی الصدور و الجهة باشد که احتمال تقیه در آن نرود، عرفا از روایاتی که می گوید خبر مخالف قرآن را طرح کنید، الغاء خصوصیت می شود و مثل قرآن می شود، زیرا قرآن قطعی الدلالة که نیست، صرفا قطعی الصدور و الجهة است و جهت دیگری برای تقدم آن وجود ندارد و لذا خبری که مثل قرآن قطعی الصدور و الجهة باشد نیز مقدم بر خبری می شود که ظنی الصدور است و لذا به این جهت، صحیحه رفاعه طرح می شود.

پس حق همان است که مشهور عند الشک در اشواط طواف گفته اند که باید طواف اعاده شود.

1. وسائل الشيعة ج‏8 215 9 باب أن من شك بين الثنتين و الثلاث بعد إكمال السجدتين وجب عليه البناء على الثلاث و صلاة ركعة بعد التسليم ..... ص : 214 [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة ج‏8 213 8 باب وجوب البناء على الأكثر عند الشك في عدد الأخيرتين و إتمام ما ظن نقصه بعد التسليم و عدم وجوب الإعادة بعد الاحتياط و لو تيقن النقص ..... ص : 212 [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة ج‏8 217 10 باب أن من شك بين الثلاث و الأربع وجب عليه البناء على الأربع و الإتمام ثم صلاة ركعة قائما أو ركعتين جالسا و يسجد للسهو ..... ص : 216 [↑](#footnote-ref-3)
4. وسائل الشيعة ج‏8 212 8 باب وجوب البناء على الأكثر عند الشك في عدد الأخيرتين و إتمام ما ظن نقصه بعد التسليم و عدم وجوب الإعادة بعد الاحتياط و لو تيقن النقص ..... ص : 212 [↑](#footnote-ref-4)
5. وسائل الشيعة ج‏8 214 8 باب وجوب البناء على الأكثر عند الشك في عدد الأخيرتين و إتمام ما ظن نقصه بعد التسليم و عدم وجوب الإعادة بعد الاحتياط و لو تيقن النقص ..... ص : 212 [↑](#footnote-ref-5)